



تقوا راه مصون ماندن از حسد دیگران است

اگر با صبر و تقوا به خدا پناه ببری؛ او تو را از شر حسد دیگران مصون می دارد...

اگر با صبر و تقوا به خدا پناه ببری؛ او تو را از شر حسد دیگران مصون می دارد
به گزارش خبرگزاری مهر، متن زیر بخش آخر از مجموعه سخنرانی های آیت الله العظمی حاج آقامجتبی تهرانی درباره حسد است.

قال امام المجتبی(ع): «هلاک الناس فی ثلاث: الکبر، الحرص، الحسد. الکبر به هلاک الدین و به لعن ابلیس. الحرص عدو النفس و به اخرج آدم من الجنة. الحسد رائد السوء و به قتل قابیل هابیل.» امام حسن مجتبی(ع) فرمودند: هلاکت و نابودی مردم در سه چیز است: کبر و حرص و حسد.

تکبر که به سبب آن دین از بین می رود و به واسطه آن، ابلیس، مورد لعنت قرار گرفت. حرص که دشمن جان آدمی است و به واسطه آن آدم از بهشت خارج شد. حسد که سر رشته بديهاست و به واسطه آن قابیل، هابیل را کشت. در آخرین بحثی که مطرح شد، روی این موضوع صحبت کردیم که اقسام حسد به لحاظ احکام فقهی (حلال و حرام) چگونه اند؟ بحث را اینگونه ادامه می دهیم:

برخی، در بیان احکام شرعی حسد ورزیدن، استثنایی قائل می شوند و می گویند: حسد ورزیدن به فاسد یا فاجری که حدود الهی را رعایت نمی کند و دارای نعمتی است و از نعماتش برای ارتکاب به گناه و نیل به اهداف شیطانی اش استفاده می کند، اشکالی (اشکال فقهی) ندارد.

سوال : اساساً این میل درونی به زوال نعمت از یک فاسد و فاجر حسد است؟ برخی علمای اخلاق این طور مطرح می کنند که این نوع حسد (تاکید روی حسد) اشکالی ندارد و حال آنکه حسد به هر شکلش باشد زشت و نهی شده است. نکته اینجاست که حالت فوق الذکر اصلاً جزء انواع حسد دسته بندی نمی شود. حسد زمانی بود که آرزوی زوال «نعمت» از غیر را داشته باشیم. هر موهبت خداوندی که در دست فاسد باشد دیگر نعمت است. آن چیزی که انسان را به سعادت برساند (یا برایش مسیر را باز کند) نعمت حساب می شود، نه آن چیزی که مایه شقاوت او باشد. پس در اینجا شخص آرزوی زوال نعمت از فرد دیگری را دارد و با تعریف حسد مغایر است.

تا به حال بحث درباره حسد و حسود بود و حال می خواهیم ببینیم محسود چه کند؟ یعنی اگر کسی مورد حسد واقع شد باید چه کند؟

۴ نکته را مطرح می کنیم و بعد نتیجه گیری.

اول) هیچ انسانی نیست که در هیچ حالی متنعم به نعمتی نباشد. تمام انسانها از جانب خداوند مورد عنایت واقع شده یا می شوند، ولو شده در «نعمت وجود». نعمات مادی، معنوی، ظاهری، باطنی، متصل، منفصل و ... در تمام احوال شامل تمام بندگان خدا هست. پس هیچ کس نیست که هیچ نعمتی نداشته باشد و بتواند ادعا کند که هیچ کس به من حسد نمی ورزد.

دوم) حسد اختصاص به یک نعمت خاص ندارد. هر نعمتی ممکن است مورد حسد قرار گیرد.
از دو مقدمه بالا می توان این نتیجه را گرفت که هر انسانی ممکن است در ارتباط با هر نعمتی که متنعم است مورد حسد واقع شود. (نه تنها هر انسان زنده، که، برخی افراد مرده نیز مورد حسد واقع می شوند.)

سوم) پیشتر در رابطه با اینکه کسی خودش را محک بزند که مبتلا به حسد شده یا خیر معیار هایی را معرفی کردیم اما هیچ ضابطه ای وجود ندارد که کسی بفهمد محسود دیگری هست یا نه. می داند که چون دارای نعمت است پس امکان محسود واقع شدن را دارد اما چون حسود در اوایل حسدورزی اش بروز خارجی به محسود ندارد و حتی ممکن است عکس حالت درونی اش برخورد کند (تملق و چاپلوسی و ...) لذا محسود متوجه نمی شود.

چهارم) از نظر درجات حسد هیچ حد یقفی وجود ندارد و به همین خاطر عمل ناشی از این بیماری را نیز انسان نمی تواند ببیند که تا کجا می خواهد پیش برود. پیشتر گفتیم حسد وقتی خیلی شدید باشد ممکن است منجر به از بین بردن محسود یا خود حسود شود.

نتیجه: هر کس به سبب اینکه متنعم به نعمتی هست ممکن است مورد حسد واقع شود و برای شناسایی کسی که به ما حسد می ورزد هم معیاری نداریم. از طرفی حسد حد یقفی هم ندارد و در بالاترین مراتب برچیده شدن بساط زندگی حسود و محسود را به دنبال دارد، در نتیجه به هیچ عنوان کسی نمی تواند ادعا کند که من می توانم از خودم در برابر حسدورزی دیگران دفاع کنم. یعنی نمیتواند تشخیص دهد که من محسودم و در این راستا عمل کند.

سوال: پس محسود چه کند؟

در اینجا دایره بحث را بازتر می کنیم، به این صورت که می گوییم کاری به حسود فعلی نداریم و می خواهیم موضعی کلی بگیریم. خداوند وظیفه محسود را مشخص کرده است.

قل اعدو برب الفلق ... و من شر حاسد اذا حسد: انسان هیچ راهی ندارد مگر یک راه، و آن اینکه برای در امان ماندن از شر

حسود، به الله تعالى و حصن حصین الهی پناه ببرد. و هیچ راه دیگری غیر از این وجود ندارد، که اگر وجود داشت خداوند بی شک به سید رُسل می آموخت.

سوال: آیا اینکه انسان فقط بگوید پناه می برم به خدا از شر حسود کافی است؟ یعنی صرف گفتن و خواستن، فرد دیگر مصون می شود؟ خیر، کافی نیست. انسان باید دارای دو ویژگی باشد تا وقتی پناه می برد به خدا، خداوند هم او را در حصن حصین قرار دهد و در امان بماند.

(۱) صبر و استقامت و پایداری.

(۲) تقوا

این دو جهت، در آیه ۱۲۰ سوره آل عمران اینطور آمده است که: **إِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ** (اگر به شما خیری برسد آنها ناراحت می شوند) و **إِنْ تَصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا** (و اگر ضرری به شما برسد آنها خوشحال می شوند) و **إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا** (و اگر صبر و تقوا پیشه کنید) لا یضرکم کیدهم شیئاً (کید و مکر آنها ابداً هیچ ضرری به شما نمی رساند) **إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ** (چرا که خدا به آنچه آنها در قلبشان می گذرد و نیت های شوم برخاسته از حسدشان در ربط با توی محسود، آگاه و مسلط است و همین طور به احوال تو، پس اگر تو با صبر و تقوا به خدا پناه ببری؛ او تو را از شر آنها مصون می دارد).

و اما «صبر و تقوا»...

اگر انسان متوجه شود که کسی می خواهد به او نیرنگ بزند، یک حالت شیطانی در او پامی گیرد که دلش می خواهد نیرنگی بالاتر از آنچه آنها در ذهن داشتند به آنها وارد کند. اینجاست که آدمی صبر اش را از دست می دهد. کلافه می شود و استقامت اش را از دست می دهد. اینجاست که دچار خطاها و اشتباهاتی می شود که گویی تقوایش نیز از کفش رفته ... فردی که به وظیفه اش در برابر خداوند عمل کرد و بر حدود الهی صبر کرد، در انجام واجبات استقامت ورزید و در ترک معاصی تقوا پیشه کرد، و آنگاه از شر حسودان به خدا پناه برد، خدا نیز برای او بهترین پناهگاه و پناه دهنده خواهد بود.

پایان بخش بحث حسد، دو روایت می خوانیم. می خواهیم ببینیم در کلام معصومین، حسد با فرد و با اجتماع چه می کند: تاثیر حسد بر فرد: علی(ع) می فرمایند: حسد انسان را می خورد؛ آنطور که زنگ، آهن را. (ای انسان! تو از آهن سخت تر نیستی... حسد نابودت می کند. جسمی و روحی و معنوی و انسانی و ...)

تاثیر حسد بر اجتماع: رسول اکرم(ص) می فرمایند: به زودی امت من بیماری امت های گذشته را می گیرد. (پرسیدند آن بیماری چیست؟) فرمودند: به یکدیگر حسد می ورزند تا اینکه سرکشی پیدا می شود و بعد هرج و مرج و فتنه و آشوبه پا می شود. (دقیقاً ضد آنچه خدا به آن امر کرده، وحدت و دوستی و ...)

پس اگر انسان برخی مسائل را برای خود تحلیل کند، از ابتدای امر، پایش از ابتلا به خیلی از رذائل کوتاه می شود. مال بیش از حد معیشت حسابرسی دارد، جاه و مقام اگر به وظیفه اش عمل نکند آتش دوزخ را در پی دارد و اگر هم فرد بر انجام وظیفه باشد در دنیا مسئولیت سنگین و غم و غصه دارد و در آخرت حسابرسی، و ... پس اگر انسان معتقد است که فردایی هست و حساب و کتابی هست و هیچ ریز و درشتی هم از زیر این حساب در نخواهند رفت، پس اصرارش بر مال بیشتر و حسد ورزی اش به مقام دنیوی یعنی تلاشش در راستای معطلی بیشتر در روز حسابرسی و این یعنی حماقت. اگر انسان این مسائل را با خودش حل کند، می فهمد که اینها لزوماً سعادت نیست و حتی ممکن است شقاوتش را در پی داشته باشد. اگر مطیع واقعی الله تعالى شدیم و در این راه تلاش کردیم، نعمت های حقیقی نصیبمان می شود که نه تنها وبال نخواهند بود، که عین فضیلت اند و موجبات کمال ...

نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت/ به غمزه مسأله آموز صد مدرس شد

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ. اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْأَلُكَ وَ نَدْعُوْكَ بِمُحَمَّدٍ وَّ عَلٰى وَّ فَاطِمَةَ وَّ الْحَسَنِ وَّ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَّ الْاَئِمَّةِ الْمَعْصُوْمِيْنَ مِنْ دُرِّيَّةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ بِاسْمِكَ الْعَظِيْمِ الْاَعْظَمِ الْاَعْزَّ الْأَجَلَّ الْأَكْرَمَ يَا اَللهُ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا مَعَ مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ فِي الدُّنْيَا وَّ الْاٰخِرَةِ وَ تَوْفِنَا عَلٰى مِلَّتِهِمْ وَ ارْزُقْنَا شِقَاعَتَهُمْ وَ زِدْ فِي قُلُوْبِنَا مَحَبَّتَهُمْ وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ ، اَللّٰهُمَّ الْعَن اَعْدَائَهُمْ. اَللّٰهُمَّ وَفِّقْنَا لِمَا نَحِبُّ وَ تَرْضٰى. اَللّٰهُمَّ اقْضِ حَوَائِجَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ اشفِ مَرْضٰى الْمُسْلِمِيْنَ وَ اُدِّ دِيُوْنَهُمْ وَ سَلِّمِ الْمُسَافِرِيْنَ مِنْهُمْ وَ اغْفِرْ لِمَوْتَاهُمْ. اَللّٰهُمَّ اشْغَلِ الظَّالِمِيْنَ بِالظَّالِمِيْنَ وَ اجْعَلْنَا مِنْ بَيْنِهِمْ سَالِمِيْنَ وَ احْقِظْ حُمَاةَ الدِّيْنِ وَ اَيِّدِ الْمُرُوْجِيْنَ وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ. اَللّٰهُمَّ اَنْصُرِ الْاِسْلَامَ وَ اَهْلَهُ وَ اخْذَلِ الْكُفْرَ وَ اَهْلَهُ. اَللّٰهُمَّ اَنْصُرْ جَيُوشَ الْمُسْلِمِيْنَ. اَللّٰهُمَّ اَرْحَمْ رَعِيْمَ الْمُسْلِمِيْنَ. اَللّٰهُمَّ اَيِّدْ وَ سَدِّدْ قَائِدَ الْمُسْلِمِيْنَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ. اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيْكَ الْفَرَجَ وَ الْعَافِيَةَ وَ التَّصَرَّ وَ اجْعَلْنَا مِنْ اَعْوَانِهِ وَ اَنْصَارِهِ وَ شِيْعَتِهِ. بِمِيَّتِكَ وَ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.